



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۸، شماره ۶۱، زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۱-۳۸

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی

عبداله عراقی^۱

محمد بیدگلی^۲

اصغر رجبی ده‌برزویی^۳

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی در چند دهه اخیر با چالش‌های فراوانی مواجه بوده است. استفاده از ورزش و دیپلماسی ورزشی تجربه مستندی را در تاریخ دیپلماسی ورزشی جهان ثبت کرده است. بر این اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که دیپلماسی ورزشی چگونه می‌تواند استراتژی مناسبی برای بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی باشد؟ یافته‌های پژوهش با در نظر گرفتن دیدگاه الکساندر ونت مؤید غلبه دیدگاه کانتی یا دوستی بر دیدگاه لاکه یا رقابت بر اساس دیپلماسی ورزشی است. ما در این مقاله با توجه به الزامات استراتژیک و ملاحظات منطقه‌ای تهران و ریاض که خواهان عادی‌سازی روابط و پایان دادن به چندین سال خصومت و رقابت با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌ای و مقالات اینترنتی از دیپلماسی ورزشی به‌عنوان استراتژی مناسبی برای بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی بهره برده‌ایم.

کلمات کلیدی

الزامات استراتژیک، الکساندر ونت، جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی ورزشی، عربستان سعودی

۱- گروه علوم سیاسی، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) abdollah.politics@gmail.com

۲- گروه حقوق، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammad.bidgoli@yahoo.com

۳- گروه معارف، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sgharrajabi021@gmail.com

امروزه ورزش به‌عنوان یک صنعت بزرگ با ظرفیت بالا حوزه‌های گسترده‌ای را شامل فرهنگ، اقتصاد و سیاست را در خود جای داده که همین امر موجب شده تا توجهات بسیاری را به خود جلب نماید. مفهوم دیپلماسی ورزشی اولین بار در سال ۱۹۷۵ میلادی به کار گرفته شد. دیپلماسی ورزشی می‌تواند زیرساخت‌های تنش‌زدایی در روابط کشورها را به‌وجود آورد. به نظر می‌رسد از سرگیری روابط میان ایران و عربستان موضوعی است که باید دلایل احیای مناسبات دو کشور بعد از حدود هفت سال موردبررسی قرار گیرد، چرا که مناسبات و تعامل‌های میان ایران و عربستان آثار خود را فراتر از منطقه خلیج‌فارس خواهد گذاشت. در سال ۱۳۶۸ شمسی برگزاری بازی بین دو تیم ملی ایران و عراق، بعد از هشت سال جنگ تحمیلی صدام حسین علیه کشورمان در جام صلح و دوستی، پیام صلح را از طریق فوتبال به دنیا مخابره کرد. همچنین بازی فوتبال انگلیس و آرژانتین در جام جهانی ۱۹۸۶ میلادی، چهار سال بعد از جنگ فاکلند^۱ یا مالویناس^۲ نمونه دیگری از نقش دیپلماسی ورزشی در کاهش تنش‌هاست. فوتبال تاکنون بارها ویتترین دیپلماسی صلح در جهان شده است و بار دیگر به نظر می‌رسد، نقش نمادین خود در رفع کدورت‌ها بین دو کشور قدرتمند مسلمان در حساس‌ترین مقطع را ایفا کند. ما با عربستان همسایه هستیم، آن‌ها هم مثل ما یک کشور اسلامی هستند و مهم‌تر از این‌ها، حرمین شریفین در کشور عربستان واقع شده، طبیعتاً نمی‌توانیم تا ابد با آن‌ها در حالت قطع رابطه باشیم، ضمن اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی همیشه گسترش روابط با همسایه‌هایش بوده است، لذا تقابل ایران و عربستان سعودی به نفع هیچ‌کس نیست جز رژیم صهیونیستی و هوادارانش. اولین راه‌حل گفت‌وگوی سیاستمداران و نخبگان دو کشور با یکدیگر است. بعد هم بحث دیپلماسی عمومی به میان می‌آید که مشخصاً می‌شود به دیپلماسی ورزشی اشاره کرد، مثلاً برگزاری یک رویداد ورزشی بین دو کشور. به نظر می‌رسد مقامات ورزشی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که تداوم چالش با عربستان نتیجه‌ای جز ضرر برای ورزش و علی‌الخصوص فوتبال ایران ندارد و بهترین راهکار این است که با دیپلماسی صحیح باب گفت‌وگو را باز کنند تا سرانجام بعد از چندین سال ارتباط بین ایران و عربستان میسر شود. به نظر می‌رسد ما باید در حال فرستادن پیام درک و تفاهم بین‌المللی فرهنگی، تحمل و احترام متقابل از طریق ورزش به سراسر جهان از جمله عربستان سعودی باشیم. در هر صورت باید توجه داشت که دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و اهداف دیپلماسی سنتی حمایت می‌کند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۷). دیپلماسی عمومی که کاربست آن، سبب افزایش قدرت نرم یا هوشمندانه یک کشور و توسعه نفوذ آن در عرصه جهانی می‌شود. (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۲۸). از پیامدهای دیپلماسی عمومی را می‌توان کاهش تضادها

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزونی

دانست که یکی از کار ویژه‌های سیاست خارجی می‌باشد (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). روابط دیپلماتیک دو جانبه می‌تواند در برخی از بحران‌های منطقه‌ای اثرگذار باشد و حتی می‌تواند مقدمه‌ای بر همکاری سازنده و کاهش سطح تعارض و تنش منطقه‌ای میان دو کشور باشد.

از این رو، این مقاله در نظر دارد سناریوهای ممکن در روابط میان تهران و ریاض را مورد واکاوی قرار داده و نقش دیپلماسی ورزشی را در غلبه دیدگاه کانتی بر دیدگاه لاکی بر اساس نظریه الکساندر ونت^۳ بازگویی کند. لذا ایران با اتخاذ یک راهبرد فعال ورزشی در قالب سیاست خارجی خود می‌تواند به خوبی از ظرفیت‌های بین‌المللی ورزش برای اهداف منطقه‌ای خود در ارتباط با عربستان سعودی بهره‌گیری نماید. یافته‌های پژوهش نیز مؤید اهمیت خاص ورزش و دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی ایران و ارتقاء آن تا سطح یک ابزار استراتژی مناسبی برای ارتباط با کشورهای حاشیه خلیج فارس خصوصاً عربستان سعودی است. روش پژوهش نوشتار حاضر روش توصیفی - تحلیلی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌ای و مقالات اینترنتی است که در آن داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده از منابع مذکور مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در خصوص دیپلماسی ورزشی از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندان قوی وجود ندارد؛ به‌ویژه در روابط ایران و عربستان سعودی که معدودی مقاله، همه داشته‌های ما در این حوزه را شامل می‌شود. در خصوص دیپلماسی ورزشی ابزاری مناسب جهت بهبود روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی پژوهش‌های صورت گرفته است که در ذیل به بعضی از آن‌ها که در برخی جنبه‌ها به این پژوهش نزدیک‌تر بودند اشاره شده است:

۱- مقاله سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین‌المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ نوشته آقایان حسین پلونده و فرزاد حسنی با روش تحلیلی - توصیفی در سال ۱۴۰۱ انجام پذیرفته که یافته‌های آن اشاره دارد که کشور قطر توانسته از طریق دیپلماسی ورزشی و با برگزاری جام جهانی فوتبال مردان در سال ۲۰۲۲، به یک بازیگر مهم منطقه‌ای، فرصت مهم دیپلماسی عمومی، مشارکت در مورد صلح و امنیت و جذب افکار عمومی، نقشی جدی و جدیدی برای خود پیدا کند و در نهایت اعتبار بین‌المللی خود را ارتقاء دهد.

۲- مقاله چشم‌انداز روابط ایران و عربستان؛ سناریوهای آینده و راهکارها آقایان سید جلال دهقانی، فرزاد رستمی و فرهاد دانش نیا به روش دلفی در سال ۱۴۰۰ انجام پذیرفته که یافته‌های آن حاکی از آن است که عوامل معنایی، هویتی و ایدئولوژیکی در مقایسه با دیگر عوامل، همواره در صدر مؤلفه‌های

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۱، زمستان ۱۴۰۱

تنش‌زا میان ایران و عربستان ایفای نقش می‌کند و بر حوزه‌های دیگر سایه می‌افکند. در نهایت پژوهش حاضر راهکارهای کوتاه‌مدت، بلندمدت و میان‌مدت برون‌رفت از چالش‌های احتمالی در مناسبات منطقه‌ای دو کشور را بررسی کرده است. مطالب این پژوهش در اتخاذ راهبردهای سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران کاربرد خواهد داشت.

۳- مقاله واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نوشته آقایان صادق شفیعی، اصغر منتظرالقائم و محمدعلی چلونگر به روش توصیفی و تحلیلی، با تکیه بر منابع اصلی و پژوهشی و با روش کتابخانه‌ای در سال ۱۳۹۶ انجام گردیده که یافته‌های پژوهش بیانگر این مطلب است که در بررسی علل تیرگی روابط دو کشور در این دوره به عواملی مانند ماهیت ایدئولوژیکی دو کشور، پیروزی انقلاب اسلامی و ترس از صدور آن به عربستان، رقابت در بلوک قدرت و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا و چین، جنگ تحمیلی، ژئوپلیتیک نفت و گاز خلیج فارس، حج ابراهیمی، مسئله فلسطین، تشکیل شورای خلیج فارس و برخی دیگر از عوامل می‌توان اشاره کرده است.

۴- مقاله نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۷۶) نوشته خانم فاطمه شاه رضایی و آقای رضا شیرزادی با روش تحلیلی توصیفی در سال ۱۳۹۵ انجام پذیرفته که یافته‌های آن اشاره دارد که نشان‌دهنده تأکید و توجه بیشتر به نقش ورزش در توسعه روابط دوستانه و گسترش همکاری‌ها با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در دوره اول موردببحث (سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴) اشاره دارد.

۵- مقاله روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش‌های بنیادین و امکانات پیش رو نوشته آقایان سید داود آقایی و حسن احمدیان با روش تحلیلی توصیفی در سال ۱۳۸۹ انجام پذیرفته که یافته‌های آن اشاره دارد که ابعاد نظری شکل‌دهنده به ساختار ذهنی حاکم بر این روابط به صورت تحلیلی و برپایه استشهاد به وقایع گذشته روابط دو کشور، بدون تمرکز بر دوره‌ای خاص، موردبررسی قرار گرفته است.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین

منظور از نوآوری یعنی به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا پژوهشی جدید. همان‌طور که در پیشینه فوق دیده می‌شود پژوهش‌هایی در خصوص رابطه ایران و عربستان سعودی صورت گرفته است، اما مقاله پیش رو به بررسی دیپلماسی ورزشی، استراتژی بهبود روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی می‌پردازد. با تلاش صورت گرفته و تحلیل متون سیاسی در چارچوب دیدگاه

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزونی

الکساندر ونت، مؤید غلبه دیدگاه کانتی یا دوستی بر دیدگاه هابزی یا دشمنی است که در قسمت یافته‌ها ذکر می‌گردد.

مفاهیم نظری: سازه‌انگاری الکساندر ونت

سازه‌انگاری نظریه‌ای است که برخلاف بسیاری از نظریه‌های دیگر مثل رئالیسم بر شدن استوار است تا بر بودن. از این نظر وی با نقد دو دیدگاه واقع‌گرایی و لیبرالیسم عنوان می‌کند که آنارشی فی‌نفسه نه به تعارض و نه به همکاری می‌انجامد. پس آنارشی منطق خاصی ندارد و نتیجه تعاملات دولتهایی است که به فهمی میان ذهنی از خود و دیگری دست یافته‌اند. این برداشت‌ها رقابتی (مدل هابزی)، فردگرایانه (مدل لاکي)، یا همکاری جویانه (مدل کانتی) هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۴۵).

سازه‌انگاران برآنند که در نگاه به نظام بین‌الملل فهم بین‌الذهانی که یکی از مهم‌ترین ابزار موجود در جعبه ابزار سازه‌انگاران است، امری کلیدی است. به‌طور خاص وقتی از فهم بین‌الذهانی سخن به میان می‌آید، منظور تصویری است که ریشه در تجربه تاریخی یک بازیگر نسبت به خود از دیگران دارد. این تصور به‌صورت زمینه بند شکل می‌گیرد، یعنی سوژه با مراجعه به تجربیات خود، آن را در برمی‌گیرد و به‌مرورزمان با افزایش اسنادی که آن را تأیید می‌کنند، آن را برای خود بازنمایی و تبدیل به واقعیت می‌کند. از دید ونت ساختار یا فرهنگ حاکم بر نظام بین‌الملل در ساختار کلان و یا خرد عبارت‌اند از:

فرهنگ کانتی یا دوستی

در دیدگاه ونت دوستی تنها مختص امنیت ملی است و ضرورتی ندارد به سایر حوزه‌های موضوعی تسری پیدا کند. علی‌رغم عدم خشونت و کمک متقابل، دوستان می‌توانند تعارض و تفاوت منافع چشمگیری هم داشته باشند. دوستی در مواردی وجود دارد که دولت‌ها از یکدیگر انتظار دارند هر دو قاعده را رعایت کنند. بر اساس این دو قاعده، آنچه دوستی کشورها را در عرصه سیاست بین‌الملل رقم خواهد زد ایجاد یک نظام امنیت دسته‌جمعی است. امنیت دسته‌جمعی مبتنی بر اصل کمک متقابل، یا همه برای یکی، یکی برای همه است: هنگامی که متجاوزی امنیت یکی از اعضای نظام را در معرض تهدید قرار دهد، انتظار می‌رود همه اعضا به دفاع از آن برخیزند، حتی اگر امنیت فردی آن‌ها در معرض خطر نباشد (ونت، ۱۳۸۴: ۴۳۶).

فرهنگ لاکي یا رقابت

رقابت و فرهنگ لاکي حداقل چهار پیامد برای سیاست خارجی دارد: مهم‌ترین آن‌ها این است که دولت‌ها هر نوع تعارضی هم که داشته باشند، باید در مورد حاکمیت یکدیگر، به شیوه طرفداری از وضع

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۱، زمستان ۱۴۰۱

موجود عمل کنند. دومین پیامد به سرشت رفتار عقلانی مربوط می‌شود. سوم اینکه قدرت نظامی همچنان اهمیت نسبی خود را دارد، زیرا رقبا می‌دانند که احتمال این می‌رود که دیگران از زور برای حل و فصل مسائل استفاده نمایند، سرانجام این که اگر اختلافات به جنگ بیانجامد، رقبا خشونت خود را محدود خواهند کرد (ونت، ۱۳۸۴: ۴۱۲)

فرهنگ هابزی یا دشمنی

فرهنگ هابزی حداقل چهار پیامد برای رفتار و رویکرد سیاست خارجی یک دولت دارد: اول دولت‌ها تلاش خواهند کرد دشمنان را نابود و یا مغلوب کنند. ثانیاً تصمیم‌گیری به‌شدت همراه با بد دیدن آینده و معطوف به بدترین وضعیت است. قدرت به رمز بقا تبدیل می‌شود و در نتیجه حتی دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود، بر اساس اصل اگر خواهان صلح هستید، خود را آماده جنگ کنید به‌شدت مسلح خواهند شد. همچنین دشمن به توانمندی‌ها معنا و مفهومی خاص می‌دهد که نه ناشی از خصوصیات ذاتی و مقدر آن‌هاست و نه ناشی از ذات آنارشی، بلکه ناشی از ساختار و نحوه رابطه نقش‌ها است. سرانجام، اینکه اگر کار به جنگ واقعی بکشد، دولت‌ها بر اساس شرایط دشمنی خواهند جنگید یعنی هیچ حد و حدودی برای خشونت خود قائل نمی‌شوند و اگر جنگ هنوز شروع نشده اما روشن است که به‌زودی شروع خواهد شد، دولت‌ها باید آمادگی بیشتری هم داشته باشند، به‌ویژه اگر به فن‌آوری تهاجمی مسلط باشند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۸۲).

ضرورت ورزش

از طرفی بسیاری از کارشناسان، ورزش و رویدادهای ورزشی را به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی می‌دانند و از آن به‌عنوان یک دیپلماسی نوین با نام دیپلماسی ورزشی یاد می‌شود (بخشی‌چناری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶). لذا در حال حاضر جهان شاهد گسترش شدید دیپلماسی ورزشی و بهره‌گیری دولت‌ها از این امر برای پیشبرد اهداف بین‌المللی و ملی است. در جهان امروز نقش ورزش به‌عنوان ابزاری مؤثر در توسعه روابط بین‌المللی مورد تأکید و توجه بیشتری واقع شده است. امروزه رویدادهای ورزشی بین‌المللی جذابی وجود دارد که دولت‌ها دلایل مختلفی برای آمیخته کردن ورزش با سیاست و دیپلماسی دارند. از جمله این دلایل می‌توان به تغییر ایجاد شده در فضای دیپلماتیک و رویگردانی آن‌ها از مباحث منسوخ شده دوران جنگ سرد، گسترش ورزش و نهادهای ورزشی از نظر قلمرو، قدرت و جذابیت، انزجار مردم جهان از خشونت‌های قرن بیستم و تمایل به جنبه‌های قدرت نرم همچون مبادلات فرهنگی و ورزشی و تبدیل شدن ورزش به بخش مهم زندگی مدرن اشاره کرد (صباغیان، ۱۳۹۴: ۱۴۴). در جهان امروز در دیپلماسی بین‌المللی به‌منظور رشد اقتصاد داخلی و مقابله با سیاست انزوا و

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزونی

خطر تحریم کشورها توجه به روابط رسمی و غیررسمی نیازی ضروری است، در این راستا ورزش فرصت ارزشمندی را برای تعامل با فرهنگ متقابل و ارتباطی صلح‌آمیز و پایدار را میان ملت‌ها می‌سازد.

دیپلماسی ورزشی چیست؟

تعاریف مختلفی از دیپلماسی ورزشی در متون مختلف به‌ویژه در دهه گذشته آمده است؛ از جنگ بدون شلیک (Jackson, 201: 2) تا ابزار توسعه پایدار (شریعتی فیض‌آبادی و ناظم، ۱۳۹۰: ۱۸) که همه آن‌ها به دنبال فهم بهتر تعاملات عرصه بین‌الملل و دوستی‌ها و کمک به از بین بردن کلیشه‌ها و تعصب بودند ورزشش ابزاری "کم‌خطر کم‌هزینه و پرمحتوا" برای فعالیت‌های دیپلماتیکاست ((Pigman (10: 201 & Rofe). در تعریفی جامع دیپلماسی ورزشی را می‌توان بخش پررنگ دیپلماسی عمومی نامید که در آن از تمامی ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ورزش یک کشور از قبیل تجهیزات و فضاهای ورزشی ورزشکاران مربیان مدیران ورزشی استفاده تا قدرت نرم آن در عرصه بین‌الملل تقویت‌گردد ((شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۰: ۷۷). باید گفت ورزش، در بسیاری از کشورها، مدت‌هاست که از جمله ابزارهای ارتباطی، فراگیر برای ارتباط با جامعه و دیگر کشورها به‌کاررفته و این مهم هر روز پررنگ‌تر نیز می‌شود در زمانی که حتی کسب میزبانی مسابقات ورزشی مهم مانند المپیک نیاز به دیپلماسی بسیار فعال و پیچیده دارد و نهادهای ورزشی ملی به تنهایی قادر به موفقیت در این صحنه نیستند و به یاری دولت‌ها و حکومت‌های محلی‌شان نیاز دارند (زرگر، ۱۳۹۴: ۲۱). دیپلماسی ورزشی پیشرفت جدیدی در روابط بین‌الملل نیست. آنچه دیپلماسی ورزشی را برای گسترش نفوذ سیاسی دولت‌ها به لحاظ منطقه‌ای و فراتر از آن متناسب می‌کند، ویژگی خاص ورزش به‌عنوان یک فعالیت جذاب جهانی است. از مزایای منحصربه‌فرد دیپلماسی ورزشی این است که باوجود صرف هزینه کم، نتایج نسبتاً بالایی دارد ((Mare & Tatjana, 201:). در پژوهش‌های بسیاری قدرت دیپلماسی ورزش را هم‌ردیف قدرت نرم دیده‌اند. ورزش همان‌طور که در پژوهش‌ها و تجربیات نشان می‌دهد نیاز امروز دیپلماسی و استفاده از قدرت نرم برای تأثیرگذاری در دنیا است. عرصه دیپلماسی ورزشی، عرصه کاملاً تخصصی و استراتژیک است و با سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توان در جهان امروز روابط دیپلماتیک بین‌المللی را مقتدرانه‌تر دنبال نمود. کشورهای مختلف در سطح جهان آن‌قدر دیپلماسی ورزشی را پراهمیت می‌دانند که سالیانه بودجه کلانی را به این مهم اختصاص می‌دهند. از این میان می‌توان از تجربه‌های کشوری چون روسیه، برزیل، چین، هندو... نام برد. در این میان همان‌طور که گفته شد؛ نگاه دیپلماسی ورزشی که منجر به مثلاً میزبانی بین‌المللی ورزشی گردد غیر از مباحث سیاسی، اقتصادی و دیپلماتی، بحث ارائه و تبادل خرده‌فرهنگ‌ها بین ملل مختلف مطرح است. استفاده از دیپلماسی ورزشی

در رابطه با ایران نیز تجربه مستندی را در تاریخ دیپلماسی ورزشی جهان ثبت کرده اس .

نظریه‌های دیپلماسی ورزش

در ارتباط با دلایل و علل روی آوردن سیاستمداران به ورزش جهت استفاده از این ظرفیت با اهداف سیاسی، نظریه‌های بسیاری ارائه شده که عموماً بر مسئله حل و فصل اختلافات و تقویت صلح تأکید دارند (Nygard & Gates, 2013:249). اما با انتخاب رویکردی جامع می‌توان سه رویکرد نظری را شناسایی کرد که هر یک به بعدی از این موضوع اشاره دارند و از ترکیب آن‌ها می‌توان به مبنای نظری نسبتاً جامعی در این خصوص دست یافت. این رویکردها عبارت‌اند از (Postlethwaite & Grix, 2016:304):

الف: نظریه‌هایی که قائل هستند دیپلماسی ورزش به‌مثابه مکمل سیاست رسمی دولت‌ها مطرح است و از طریق بیان رسا و گسترده نظرات مردم، این نقش را ایفا می‌کند.

ب: برخی از تحلیل گران معتقدند دیپلماسی ورزش با تمرکز بر رویدادهای بزرگ ورزشی، عرصه و مجالی منحصر به فرد را برای ملت میزبان فراهم می‌سازد تا دیپلماسی عمومی‌اش را فعال و مؤثر به کار گیرد.

ج: نظریه ورزش به‌مثابه قدرت مطلق بر این ایده تأکید دارد که ورزش در عصر حاضر به‌عنوان یک پدیده اضافه یا مکانی بکر نیست، بلکه از وضعیت ابزاری خارج شده و به یکی از ابعاد شش‌گانه جهانی شدن تبدیل شده است. ظهور و عملکرد افرادی چون مسی، بکام و فدرر مؤید این معناست که می‌توان با توجه به شرایط موجود ایران از این ایده استفاده کرد.

دیپلماسی ورزشی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر یعنی دیپلماسی عمومی و فرهنگی قرار داد که در دو دهه اخیر رواج بیش‌تری یافته است. (Murray, 2012:5). گسترش رقابت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و ژئوپولیتیکی کشورها و قدرت‌های بزرگ به میدان بین‌المللی ورزش، به یکی از مشخصه‌های ورزش در دوران معاصر تبدیل شده است و دولت‌ها مکرراً از رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به‌مثابه میدانی برای اعتبار بخشیدن به سیستم‌ها و ایدئولوژی‌های خود و همچنین برای پی‌جویی اهداف سیاست خارجی استفاده کرده‌اند.

ایران و دیپلماسی ورزشی

دیپلماسی در واقع فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی نهادها، دولت‌ها و سازمان‌هاست. قطعاً ابزارها و سازوکارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان در نظر گرفت (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۸) لذا برجسته ساختن ابعاد مثبت ورزش در سطح بین‌المللی همان ایجاد روابط

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزویی

دوستانه است و می‌توان با راهکارهای مناسب و اتخاذ سیاست‌های مناسب، باعث ایجاد شرایطی شد که ورزش، پاکی خود را حفظ و در حل کشمکش‌های بین‌المللی و ایجاد صلح نقش مؤثری را ایفا کند. ورزش در دنیای جدید در کنار تأثیرات جسمی، به‌عنوان صنعتی است که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تأثیرات کم‌نظیری دارد. هرچند ایران در اولین سال‌های پس از انقلاب و در بحبوحه جنگ سرد با الگو قرار دادن اصل نه شرقی نه غربی، بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس‌آنجلس را با شعار ما بازی نمی‌کنیم، تحریم کرد (شهابی، ۲۰: ۱۳۸۸). علاوه بر این، استفاده از فراكسیون ورزش در مجلس، استفاده از افراد مطلع و آگاه و آموزش و آگاهی دادن به افراد صاحب کرسی نیز در تحقق این اهداف مؤثر هستند (جوادی‌پور و راسخ، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

دیپلماسی عمومی؛ ابزاری برای نزدیکی ایران با عربستان

در عرصه جنگ نرم، ورزش یکی از مهم‌ترین کارکردها را ایفا می‌کند. در دیپلماسی عمومی، ورزش به‌طور گسترده‌ای و به‌عنوان یک روش برای شروع روابط دیپلماتیک برای کشورهایی که در شرایط خوبی نیستند استفاده می‌شود. ادعای محوری دیپلماسی عمومی این است که فقط محصور به دولت‌ها نیست. در این عرصه بازیگران متعددی از جمله بازیگران خصوصی، رسانه‌ها، سازمان‌های مدنی فرو ملی و فراملی وجود دارند. همچنین مخاطبان این دیپلماسی فقط دولت‌ها نیستند. یکی از نقش‌های مهم ورزش در روابط بین‌الملل، نقش دیپلماسی عمومی است. بدین‌سان ورزش فعالیتی برای همکاری و تعامل بین‌المللی است و کشورها از آن برای اشاعه ارزش‌ها و باورهای فرهنگی خود در غالب ورزش استفاده نمایند و جا دارد کشورمان تمامی امکانات مادی و معنوی خود را بسیج نمایند چرا که اشاعه اهداف سیاسی و نمایش قدرت ملی کشور با قدرت نرم ورزش و علی‌الخصوص منش پهلوانی که همواره به‌عنوان یک باور در عرصه‌های ورزشی ریشه در تاریخ ایران زمین دارد، می‌تواند یک منزلت در عرصه بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردد و شاهد بر این مدعا آوردگاه جام جهانی کشتی ۲۰۱۷ در کرمانشاه بود که چند روز پس از فرمان رئیس‌جمهور جدید امریکا دونالد ترامپ مبنی بر عدم صدور اجازه ورود هفت کشور مسلمان از جمله ایران اتفاق افتاد که واکنش نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص پذیرش کشتی گیران آمریکایی و مطابق با آن میهمان‌نوازی مردم شریف کرمانشاه از ایشان، توانست تا ضمن نشان دادن ارزش‌های والای فرهنگ ایرانی، اسلامی باعث اشاعه قدرت نرم جمهوری اسلامی گردیده و واکنش‌های متعددی از ورزشکاران تیم ملی کشتی ایالات‌متحده را در فضای رسانه‌ای در پی داشته که به بیان احساسات در این خصوص پرداخت و هر کدام به‌عنوان سفیران فرهنگی جمهوری اسلامی نوعی شرمندگی سیاسی را متوجه اهداف ضد ایرانی دولت متبوع خود می‌نمایند. مسئولین

می‌بایستی از ظرفیت‌های موجود در این عرصه نهایت استفاده را جهت نیل به اهداف نظام اسلامی نمایند. ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌گذارد. همین نقش را ایران می‌تواند در دعوت از تیم‌های مختلف عربستانی در ورزش‌های انفرادی و جمعی در جهت تقویت دیپلماسی فراگیر استفاده نماید. باوجود اختلاف و تضادهای فراوان ایران و عربستان، دو کشور دارای نقاط اشتراک و همگرایی بسیاری هستند که نخبگان مذهبی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دو کشور می‌توانند از این طریق، نقش مهمی در بهبود روابط داشته باشند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰).

اهداف عمده از برگزاری دیپلماسی ورزشی با عربستان

عربستان سعودی کشوری است که به جهات مختلف دارای اهمیت و ویژگی‌های منحصربه‌فرد می‌باشد. اولاً ظهور و پیدایش دین مبین اسلام در شبه‌جزیره عربستان می‌باشد و این کشور مکان‌های مقدسی نظیر مکه و مدینه را در خود جا داده است که به لحاظ تقدس و معنویت آن از اعتبار خاصی در میان کشورهای اسلامی برخوردار است. ثانیاً این کشور از لحاظ ذخایر نفتی، غنی‌ترین کشور دنیا به شمار می‌رود. ورزش به‌عنوان یک مؤلفه مهم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بین‌المللی شناخته می‌شود و نقش در حال گسترشی در جوامع و در روابط میان کشورها ایفا کرده و به عاملی تأثیرگذار در جامعه و روابط بین‌الملل تبدیل شده است.

دیپلماسی ورزشی بخش دیگری از معادله کنش فرهنگی، مدیریت ادراک اجتماعی و اثربخشی در حوزه سیاست محسوب می‌شود (نکولعل آزاد، ۲: ۱۳۹۹). هدف اصلی برگزاری دیپلماسی ورزشی را می‌توان کاهش تهدیدات چندجانبه و تبدیل تهدیدات به فرصت‌های دیپلماتیک و راهبردی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دانست. ضرورت‌های مدیریت بحران ایجاب می‌کند که ایران از سازوکارهای اجتماعی، ورزشی و بین‌المللی برای مدیریت تهدیدات استفاده کند. مقابله با تهدیدات در شرایطی امکان‌پذیر است که از سازوکارها و ابزارهای کنش علمی برای مقابله با تهدیدات کم‌شدت و پر شدت استفاده شود. اهداف عمده برگزاری دیپلماسی ورزشی با عربستان سعودی با این هدف انجام‌گرفته است که اولاً شناخت دقیقی از تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزشی مشخص شود. ثانیاً درک دقیقی از الگوی رفتار نهادهای بین‌المللی ورزشی در برابر ایران به‌وجود آید. ثالثاً راهکارهای کنترل و مدیریت تهدیدات ورزشی فراروی ایران در فضای علمی و راهبردی مشخص شود. رابعاً از سازوکار شناختی و الگوهای معطوف به مدیریت چالش‌های فراروی حوزه ورزش و سیاست ایران استفاده شود. دیپلماسی ورزشی با عربستان بخش دیگری از معادله کنش فرهنگی، مدیریت ادراک اجتماعی و اثربخشی

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزوئی

در حوزه سیاست محسوب می‌شود. دیپلماسی ورزشی دربرگیرنده نکات مثبت، منفی، سازنده و تنش‌زدا خواهد بود. یکی از دلایل اصلی افزایش فشارهای مربوط به کنفدراسیون‌های ورزشی علیه ایران از سوی عربستان سعودی می‌توان ناشی از محدود بودن حوزه دیپلماسی ورزشی دانست. نهادهای اجتماعی، ورزشی و راهبردی جمهوری اسلامی باید به این موضوع واقف باشند که اهداف آنان، پیوند درهم‌تنیده‌ای با ضرورت‌های راهبردی نظام سیاسی دارد. تحقق چنین اهدافی در شرایطی امکان‌پذیر است که ورزش به‌مثابه حوزه اجتماعی امنیت و موضوعات راهبردی تلقی گردیده و برای تحقق آن از تدبیر، بصیرت و عقلانیت راهبردی استفاده شود. بهره‌گیری از سازوکارهای علمی و رویکرد تحلیلی پژوهشگران ایرانی معطوف به این نکته خواهد بود که هرگونه سازوکار مقابله با تهدیدات، نیازمند بهره‌گیری از ابزارهایی است که اولاً منجر به شناخت تهدید می‌شود. ثانیاً زمینه لازم برای مدیریت تهدیدات را به‌وجود می‌آورد و ثالثاً زیرساخت‌های لازم برای تبدیل تهدید به فرصت را فراهم می‌سازد. خنثی‌سازی استراتژی دشمنان از طریق دیپلماسی ورزش به‌عنوان محور اصلی ارتباط با همسایگان از جمله عربستان سعودی مورد توجه قرار گیرد و به نتایج ذیل نائل شود:

سیاست‌گذاری ورزشی و فرهنگی می‌بایست از طریق سازوکارهای دیپلماسی ورزشی منجر به ارتقا روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی گردد. ارتقاء موقعیت ایران نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای همکاری جویانه و مدیریت تهدیدات است. اگرچه مرزهای هویت عامل جدایی گروه‌های فرهنگی، مذهبی، قومی و نژادی است، اما مدیریت هویت به معنای بهره‌گیری از سازوکارهای یکپارچه‌ساز دیپلماسی ورزشی حاصل از ارتباط با کشورهای دوست و همسایه گردد. دیپلماسی ورزشی می‌تواند هویت و سازوکارهای جدیدی را در سیاست، فرهنگ و جامعه هر کشوری به‌وجود آورد. ایران در سال‌های گذشته با نشانه‌هایی از محدودیت‌های بین‌المللی کنفدراسیون‌های ورزشی روبه‌رو بوده است. دیپلماسی ورزشی می‌تواند نیروی متعادل‌کننده قواعد داخلی و بین‌المللی برای نیل به نتیجه تعادلی باشد. رابطه متقابل بین ورزش، سیاست، فرهنگ و جامعه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای عقلانیت اجتماعی، ثبات سیاسی و کنترل فضای عمومی را به‌وجود آورد.

اشتراکات جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی

مسئله احیای روابط، هم برای جمهوری اسلامی ایران و هم برای عربستان سعودی یک ضرورت است چرا که نزدیکی مناسبات ریاض و تهران نظم سیاسی کنونی منطقه را به شکل چشمگیری تکان خواهد داد و تحولات ناشی از آن مجموعه‌ای از برندگان بازندگان را در پی خواهد داشت (رکابیان و انگری، ۱۳۸۸: ۱۴۰). با عنایت به اینکه سیاست بین‌الملل شاهد تحولات گوناگونی در چند سال گذشته

میان ایران و عربستان سعودی بوده از جمله تهاجم نظامی عربستان به یمن، نزدیکی دولت سعودی به رژیم صهیونیستی، سنگ اندازی‌های متعدد در مسیر احیای توافق برجام و همچنین روی کار آمدن دولت‌هایی که تحت نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای بوده‌اند از جمله مسائلی است که بر روابط ایران و عربستان تأثیر گذاشته و آن‌ها را رویاروی یکدیگر قرار داده، به‌سادگی قابل حل نیستند، اما با این وجود می‌توان امیدوار بود که با تنش‌زدایی و استمرار مذاکرات سیاسی بین دو کشور، مسائل گام‌به‌گام حل شوند. به‌هر تقدیر، نشانه‌هایی هرچند اندک از تحول در روابط ایران و عربستان آغاز شده است، حال باید امیدوار بود این تحول در کوتاه‌مدت به پرونده‌های حساس منطقه سرریز کند. ورزش مدرن از جهاتی به سیاست و روابط بین‌الملل پیوند خورده است و دولت‌ها و سیاست‌گذاران برای دستیابی به اهداف خود از ورزش استفاده می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که امروزه جدایی ورزش و سیاست به‌سادگی امکان‌پذیر نیست (پلونده و رستمی، ۱۴۰۱: ۳۶۵). دیپلماسی ورزشی را می‌توان به‌عنوان استفاده از افراد و رویدادهای ورزشی برای تعامل، اطلاع‌رسانی و ایجاد چهره‌های محبوب در بین مردم و سازمان‌های خارجی، برای پیشبرد سیاست خارجی دولت‌ها (Murray, 2017: 845) و همچنین استفاده از آن برای مقاصد سیاسی و تأمین منافع ملی (رنج‌کش و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۹) تعریف کرد.

به‌هر حال رسیدن به یک صلح پایدار در گرو خروج از الگوی موازنه تهدید و تلاش برای رسیدن به الگوی همکاری جمعی و تکیه بر گفت‌وگوهای درون منطقه‌ای است. قرآن کریم می‌فرماید: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ* همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود، (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا کنید تا مورد رحمت قرار گیرید (حجرات، ۱۰) دیپلماسی ورزشی با کمک چنین الگویی و با بهبود مناسبات دو کشور، با تکیه بر اشتراکات و منافع مشترک از جمله تقدسی که در سرزمین وحی نهفته است، دستور دین مبین اسلام به وحدت امت اسلامی، اشتراک نفتی دو کشور در قالب سازمان اوپک و همچنین برقراری امنیت خلیج‌فارس با همکاری دو کشور همسایه برای خروج از بن‌بست منطقه‌ای اقدام نماید. لذا می‌توان امیدوار بود که در صورت اراده سیاسی لازم از طرف سعودی‌ها، امکان به‌کارگیری دیپلماسی ورزشی و رفتن به سوی تنش‌زدایی و انجام مصالحه سیاسی برای برقراری روابط حداقلی وجود دارد. به‌جای اصرار بر افزایش دامنه اختلافات، علاوه بر اینکه تعارضات بین دو کشور مرتفع شده، بلکه در نتیجه تنش‌زدایی این دو کشور بزرگ منطقه، می‌توان امکان تعامل سازنده بین کشورهای پیرامون به‌منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت‌های منطقه را شاهد بود. در چنین فضایی تشکیل یک چارچوب جدید چندجانبه امنیتی منطقه‌ای با محوریت ایران و عربستان و به‌دوراز دخالت‌های کشورهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای، ضرورتی

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزویی

اجتناب‌ناپذیر و انکارناپذیر برای کاهش تنش و حل‌وفصل بحران‌های منطقه‌ای است. بدون شک چنین چارچوبی ضامن ارتقا، تقویت و تعمیق و تحکیم روابط سیاسی دو کشور و همچنین عامل استقرار و آرامش در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه خواهد بود.

دیپلماسی ورزشی فرصتی برای غلبه دیدگاه کانتی بر هابزی در چارچوب دیدگاه الکساندر ونت

روابط ایران و عربستان سعودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت ایدئولوژیک این انقلاب، همواره پر نوسان بوده است (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۶). دیپلماسی ورزشی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دیپلماسی عمومی می‌تواند در بسیاری از موارد زمینه‌ساز توسعه و گسترش همکاری‌ها و روابط دوستانه، تسهیل و تسریع ایجاد یا ترمیم روابط، کاهش منازعات و تنش‌ها و افزایش سطح و تأثیرگذاری شده و روابط بین‌الملل را به‌سوی همکاری بیشتر بازیگران دولتی و غیردولتی سوق دهد. همچنین، بهره‌گیری از دیپلماسی ورزشی در شرایط خاص می‌تواند زمینه‌ساز کاهش محدودیت‌ها، موضع‌گیری‌های خصمانه، تهدیدات و انزوای کشورها باشد (شاه رضایی و شیرزادی، ۱۳۹۵: ۴۲).

دیپلماسی ورزشی از آنجایی که محل ورود و عملکردش یک موضوع غیرسیاسی و اجتماعی بسیار محبوبی است، فرصت‌های زیادی را در اختیار مجریان برای برآورده کردن خواسته‌هایشان قرار می‌دهد. دیپلماسی ورزشی در کشورهای گوناگون به میزان‌های مختلفی به آن پرداخته می‌شود. از کاربردها و اهدافی که از دیپلماسی ورزشی برای تسهیل روابط با عربستان سعودی می‌توان استفاده کرد اقدامی پوششی برای اقداماتی با حساسیت‌های سیاسی بالا است، به‌گونه‌ای که ورزش به‌عنوان یک حائل و یا نقطه آغاز صلح، آشتی یا برقراری ارتباط مورد استفاده می‌شود. با توجه به سابقه مسابقات با عربستان در رشته‌های مختلف حتی در سطوح حرفه‌ای و از سوی بازیکنان مشهور جهانی، بهره‌گیری از دیپلماسی ورزشی را حداقل برای تقابل با این فضا بالأخص در مواجهه با کشورهای اروپایی و اسلامی بسیار حیاتی می‌داند. تیم‌های ورزشی، مسابقات و حتی تک‌تک ورزشکاران می‌توانند سفیر ورزش شوند و چهره‌ای به ملت‌ها ارائه دهند. یک مزیت رویدادهای ورزشی و ورزشکاران منفرد نسبت به دیپلمات‌ها و سیاستمداران رسمی این است که می‌توان مذاکرات ورزشکاران را کمتر تحت هدایت دولت دید و بیشتر آزاد و خودجوش برگزار می‌شود (تهذیبی، ۱۴۰۰: ۳۹).

از جمله مسائلی که بر دیپلماسی ورزشی ایران و عربستان سعودی تأثیر گذاشته و باعث گردیده دیدگاه کانتی یا دوستی بر دیدگاه هابزی یا دشمنی غلبه پیدا کند می‌توان به ظرفیت‌های همکاری این دو کشور در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در قالب شرکت در نشست‌ها، اجلاس‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، اعزام تیم‌ها، داوران و مربیان (مسابقات، اردوهای مشترک و بازی‌های دوستانه) و

متخصصان ورزشی و هیات‌های کارشناسی در قالب تبادلات ورزشی دوجانبه، برگزاری مسابقات و میزبانی‌های ورزشی، کسب کرسی‌های ورزشی در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های ورزشی با یکدیگر اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز اهمیت ورزش در زندگی اجتماعی افراد بیش‌ازپیش هویدا و نمایان شده، آثار آن در روابط و تعاملات بین فرهنگی کشورها بیش از گذشته افزایش یافته و می‌یابد و واقعیت ارتباط ورزش با روابط بین‌الملل، غیرقابل‌انکار است. می‌توان گفت دولتمردان در بحث دیپلماسی ورزشی، هم از آن برای فشار آوردن به دیگر کشورها استفاده می‌کنند و هم برای بهبود روابط و تقویت دوستی‌ها، حل مشکلات و مسائل سیاسی و نهایتاً دستیابی به صلح بهره می‌برند. با عنایت به اینکه سیاست بین‌الملل شاهد تحولات گوناگونی در چند دهه گذشته میان ایران و عربستان سعودی بوده از جمله تهاجم نظامی عربستان به یمن، نزدیکی دولت سعودی به رژیم صهیونیستی، سنگ‌اندازی‌های متعدد در مسیر احیای توافق برجام و همچنین روی کار آمدن دولت‌هایی که تحت نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای بوده‌اند از مسائلی است که بر روابط ایران و عربستان سعودی تأثیر گذاشته و باعث گردیده رقابت ایران و عربستان در چارچوب دیدگاه لاک‌بی یا رقابت قرار بگیرد. به نظر می‌رسد هرگونه تنش‌زدایی در روابط کشورهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی می‌تواند زمینه ظهور شکلی از موازنه آرام در محیط منطقه حیاتی خلیج‌فارس را به گونه تدریجی فراهم سازد.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که دیپلماسی ورزشی می‌تواند این سناریو را به سناریوی کانتی یا دوستی با توجه به مشترکات فراوان از جمله تقدسی که در سرزمین وحی نهفته است، دستور دین مبین اسلام به وحدت امت اسلامی، اشتراک نفتی دو کشور در قالب سازمان اوپک و همچنین برقراری امنیت خلیج‌فارس با همکاری دو کشور همسایه تبدیل کند. عدم توجه به مقوله مهم دیپلماسی ورزشی می‌تواند به کاهش و تضعیف منابع سیاست خارجی ایران منجر شود و از این طریق بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه کشور را غیرفعال نگاه دارد که آسیبی بزرگ برای تأمین منافع ملی به شمار می‌آید. یکی از تأثیرات قابل‌ملاحظه قدرت نرم ورزش بر جنبه‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی کشورها یا به‌عبارت‌دیگر استفاده از ظرفیت‌های نرم افزارانه ورزش در سطح بین‌الملل در راستای اهداف ژئوپلیتیکی از سوی کشورها است که می‌تواند باعث ارتقاء رویکرد نسبی به ورزش تا سطح یک مؤلفه کلیدی و تجویز یک استراتژی کلان ورزشی در راستای اهداف ژئوپلیتیکی کشورمان باشد. تقابل و تعارض میان ایران و

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزونی

عربستان این فرصت را فراهم می‌کند تا دشمنان ایران از جمله رژیم صهیونیستی بتوانند از این فرصت استفاده کرده و نسبت به تغییر بازیگر تهدیدکننده اعراب منطقه اقدام کنند.

پیشنهاد می‌گردد ظرفیت‌های همکاری دو کشور در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی ورزشی افزایش یابد. همچنین اعزام تیم‌ها، داوران و مربیان و متخصصان ورزشی و هیات‌های کارشناسی در قالب تبادلات ورزشی دوجانبه، برگزاری مسابقات و میزبانی‌های ورزشی، امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های ورزشی با یکدیگر در ورزش‌های انفرادی و تیمی در اولویت قرار گیرد.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۱، زمستان ۱۴۰۱

منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) بخشی‌چناری، امین رضا، گودرزی، محمود، سجادی، سید نصرالله و جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۸)، ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۳۶-۲۱
- (۳) پلونده، حسین و رستمی، فرزاد (۱۴۰۱)، سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین‌المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۳۶۹-۳۴۵
- (۴) تهذیبی، خادم علی (۱۴۰۰)، بررسی نقش و تأثیر دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۶۹، صص ۴۶-۲۵
- (۵) جوادی‌پور، محمد و راسخ، نازنین (۱۳۹۶)، نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۳۴-۲۱۹
- (۶) داداندیش، پروین و احدی، افسانه، (۱۳۹۰)، جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۷۳-۱۴۳
- (۷) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، رستمی، فرزاد و دانش نیا، فرهاد (۱۴۰۰)، چشم‌انداز روابط ایران و عربستان؛ سناریوهای آینده و راهکارها، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۸۸-۲۴۵
- (۸) رکابیان، رشید و انگزی، رسول (۱۴۰۰)، تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)، دو فصلنامه پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۰۴-۱۷۹
- (۹) رنجکش، محمدجواد، اصغری ثانی، حسین و محقر، احمد (۱۳۹۲) برندسازی در دیپلماسی نیچهای قطر، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۷۸-۱۴۵
- (۱۰) زرگر، افشین (۱۳۹۴)، ورزش و روابط بین‌الملل، جنبه‌های مفهومی و تئوریک، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صص ۴۸-۷

دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی / عراقی، بیدگلی و رجبی ده برزویی

- ۱۱) سجادیپور، سید محمد کاظم و وحیدی، موسی الرضا (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی نوین، چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴، صص ۷۷-۹۵
- ۱۲) شاه رضایی، فاطمه و شیرزادی، رضا (۱۳۹۵)، نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۷۶)، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۵، شماره ۳۲، صص ۳۵-۶۰
- ۱۳) شهابی، هوشنگ (۱۳۸۸)، دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۲، صص ۷-۲۶
- ۱۴) شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و گودرزی، محمود (۱۳۹۴)، جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۹۵-۱۲۷
- ۱۵) شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و ناظمی، مازیار (۱۳۹۶) طراحی مفاهیم فرهنگ صلح ساز ورزش در توسعه روابط بین‌الملل، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۱۸۸-۱۶۴
- ۱۶) شفیعی، صادق، منتظرالقائم، اصغر و چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۶)، واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال نهم، شماره یکم، صص ۱-۲۲.
- ۱۷) صالحی امیری، سید رضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی، تهران: انتشارات ققنوس
- ۱۸) صباغیان، علی (۱۳۹۴)، دیپلماسی ورزشی، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۶، شماره ۳۱، صص ۱۳۵-۱۵۵
- ۱۹) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت
- ۲۰) ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸)، ورزش و سیاست، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۳۰۱-۳۱۶
- ۲۱) نکولعل آزاد، فاطمه (۱۳۹۹)، دیپلماسی ورزشی؛ ضرورت‌ها، اهداف و پیامدها، سایت دیپلماسی ایرانی، <http://irdiplomacy.ir> ۱۳۹۹/۱۰/۲۴
- ۲۲) ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۱، زمستان ۱۴۰۱

۲۳) هادیان، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۳، صص ۸۶-۱۱۷

24) Mare, U. & Tatjana(2015), Sports diplomacy: development and practice. Research in Kinesiology,

25) Jackson,s.j. (2013).The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world. International Area Studies Review,16(3)

26) Murray, Stuart (2012), “Sports-Diplomacy: a Hybrid of Two Halves”, at: <http://www.culturaldiplomacy.org>

27) Murray, Stuart (2017). Sports Diplomacy in the Australian Context: Theory into Strategy. Politics & policy. Vol 45. Pp 841-861.

28) Nygard,H.M. Gates,S. (2013). Soft power at home and abroad: Sport diplomacy,politics and peace-building.International Area Studies Review,16(3).

29) Pigman,G.A.Rofe, j.s. (2014).Sport and Diplomacy.An Introduction.Sport in Society,17(9)

30) Postlethwaite,V. Grix,j. (2016).Beyond the acronyms:Sport diplomacy and the classification of the International Committee.Diplomacy & statecraft, 27

یادداشت‌ها:

1 Falkland

2 Malvinas

3 Alexander Went